



دولت، حلقه‌ی اتصال صنعت و دانشگاه

اظهار نظر بسیاری از مدیران کارگاه‌ها و کارخانجات صنعتی، ماه‌ها و گاهی سال‌ها وقت لازم است تا این افراد به یک نیروی فنی کیفی و کارآمد تبدیل شوند و این فرآیند هزینه‌های هنگفتی را برای یک مجموعه‌ی تولیدی در پی دارد.

اگر وظایف دانشگاه‌ها را به سه بخش عمده‌ی توسعه‌ی مرزهای علم و دانش، انجام پژوهش‌های کاربردی و تربیت نیروی انسانی متخصص و فرهیخته برای بخش‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی تقسیم کنیم به جرأت می‌توان ادعا نمود که دانشگاه‌های ما به ویژه در سال‌های اخیر در مورد وظیفه‌ی نخست یعنی توسعه‌ی مرزهای علمی به موفقیت‌های چشمگیری دست یافته‌اند تا جایی که در حال حاضر شاهد هستیم بسیاری از مقالات ارائه شده توسط اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های ایرانی در مجامع بین‌المللی حائز کسب بهترین رتبه‌های علمی می‌شوند و این امر باعث گردیده که جایگاه علمی ایران در بین کشورهای جهان ارتقای چشم‌گیری یابد. اما نمی‌توان این حقیقت را نادیده گرفت که مراکز دانشگاهی از اجرای مناسب دیگر وظایف خود باز مانده‌اند و متأسفانه چندی است تحریر مقالات علمی به منظور ارائه به کنفرانس‌های علمی بین‌المللی و در پی آن اخذ پذیرش از دانشگاه‌های شرق و غرب این کوهی خاکی و در نهایت مهاجرت به دیگر کشورها به بهانه‌ی ادامه‌ی تحصیل به اصلی‌ترین هدف دانشجویان برتر ایرانی تبدیل شده است. باکمال تأسف امروز کمتر دانشجوی تراز اولی را می‌توان یافت که تصمیم داشته باشد بعد از پایان تحصیلات به کار در صنایع کشور مشغول شود و همگان عزم ادامه‌ی تحصیل در مقاطع بالاتر را داشته و اگر قصد رفتن نکنند ترجیح می‌دهند از طریق تدریس، دین خود را به کشور ادا نمایند.

از سوی دیگر بدیهی است دانشجویی که مراحل تحصیل خود را تنها با تأکید بر مطالب تئوریک و بدون حتی یک روز حضور در مراکز صنعتی پشت سر گذاشته و مطالب تخصصی و فنی را تنها از طریق گذاردن واحدهای آزمایشگاهی و کارگاهی دانشگاه تجربه کرده و از این طریق موفق به اخذ درجات کارشناسی، کارشناسی

برگزاری اولین کنفرانس بین‌المللی اتوماسیون صنعتی کشور در آبان ماه سال جاری در دانشگاه صنعتی شریف که همکاری چند سازمان و نهاد صنعتی کشور از جمله سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، طرح صنایع پیشرو وزارت صنایع، شرکت ایران خودرو دیزل، برخی مراکز صنعتی وابسته به سازمان صنایع دفاع و انجمن صنفی شرکت‌های اتوماسیون صنعتی را نیز به عنوان حامیان اصلی در پی داشت بهانه‌ای شد تا یک بار دیگر به مسأله‌ی مهم ارتباط صنعت و دانشگاه بپردازیم. برگزاری همایش‌ها و کنفرانس‌های مشترک توسط دانشگاه و صنعت یکی از راهکارهایی است که موجبات توسعه‌ی ارتباط بین این دو نهاد مهم و تأثیرگذار را فراهم می‌کند و در کنار فعالیت‌های دیگری همچون ایجاد پارک‌های علمی و فناوری، انجام پروژه‌های مشترک پژوهشی بین صنعت و دانشگاه و کارآموزی دانشجویان در مراکز صنعتی می‌تواند به تقویت این ارتباط منجر شود. اما ارتباط دانشگاه و صنعت در کشور ما با مشکلات بسیاری دست به گریبان است که اگرچه بررسی تمامی این مشکلات در قالب یک مقاله میسر نمی‌باشد اما بد نیست در این مجال به پاره‌ای از آنها بپردازیم.

نظام آموزشی حاکم بر دانشگاه‌های ایران از کشورهای پیشرفته‌ی صنعتی الگو برداری شده و ساختاری مشابه آنها دارد، اما از آن جایی که در زمان تأسیس اولین دانشگاه‌های کشور فاصله‌ی صنعت کشور ما با کشورهای الگو بسیار زیاد بوده است از آن زمان تاکنون همواره یک عدم هماهنگی مشهود بین فعالیت‌های علمی دانشگاه‌ها و نیازهای واقعی بخش صنعت کشور وجود داشته است و طی این سال‌ها هیچ‌گاه این دو نهاد موفق نشده‌اند به هماهنگی لازم به منظور پاسخگویی به نیازهای جاری بخش صنعت دست یابند. در برهه‌های مختلف زمانی این عدم هماهنگی در زمینه‌های مختلفی نمود یافته است و متأسفانه امروز کار به جایی رسیده که کمتر فارغ‌التحصیلی را می‌توان یافت که به محض ورود به بازار کار بتواند به عنوان یک نیروی فنی کارآمد به رفع نیازهای یک واحد تولیدی در زمینه‌های مرتبط با رشته‌ی تخصصی خود بپردازد و بنابر

ارزیابی و امتیازدهی به اساتید دانشگاهی جهت ارتقا جستجو کرد. در حال حاضر، در نظام امتیازدهی، ارائه‌ی مقاله در کنفرانس‌ها و ژورنال‌های معتبر بین‌المللی و نیز ارائه‌ی چند واحد درس دانشگاهی، از بیشترین وزن برخوردارند. از این رو اجرای تحقیقات کاربردی که نتایج آنها بتواند گره‌ای از گره‌های صنایع کشور بگشاید کمتر مورد توجه جامعه‌ی دانشگاهی ما قرار می‌گیرد.

البته تمامی کاستی‌ها را نیز نمی‌توان متوجه جامعه‌ی دانشگاهی دانست چراکه بخش صنعت کشور ما نیز به واسطه‌ی برخورداری از یک ساختار سنتی و تجربی با مقوله‌ای به نام پژوهش و توسعه یا R&D میانه‌ی چندان خوبی ندارد و در بسیاری از مجموعه‌ی تولیدی کشور به ویژه در بخش خصوصی، یا اساساً واحدی به نام R&D وجود ندارد یا این واحد به صورت نمادین و تنها به عنوان یک ژست در حدی بسیار محدود در حال فعالیت است.

به طور کلی می‌توان گفت که در ایران فرآیندی برای ارتباط دانشگاه و صنعت و تبدیل علم به فناوری‌های کاربردی تعریف نشده است.

این جاست که دولت باید به عنوان رکن سوم توسعه‌ی صنعتی و اقتصادی کشور و نیز واسطی جهت تقویت ارتباط صنعت و دانشگاه وارد عرصه شود و موجبات بهره‌گیری از پتانسیل‌های عظیم موجود در در این دو بخش را به نفع توسعه‌ی همه جانبه‌ی کشور فراهم نماید. از جمله مواردی که نهادهای مسؤول دولتی می‌توانند از طریق آنها نسبت به تحکیم پیوند صنعت و دانشگاه اقدام نمایند می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- حمایت مالی از ایجاد و تقویت واحدهای پژوهش و توسعه در صنایع کشور به ویژه صنایع وابسته به بخش خصوصی
- پررنگ‌تر کردن نقش تحقیقات کاربردی در نظام ارتقا اساتید و دانشجویان
- ملزم نمودن دانشگاه‌ها به درآمدزایی از محل اجرای پروژه‌های بخش صنعت
- نظارت جدی بر عملکرد دفاتر ارتباط با صنعت و کارآموزی دانشگاه‌ها
- برگزاری همایش‌ها و کنفرانس‌های مشترک بین دانشگاهیان و اهالی صنعت به منظور هرچه نزدیک‌تر شدن دیدگاه‌های این دو بخش به یکدیگر

وحید تیموری

ارشد و دکتری شده است هنگامی که در کسوت استادی قرار بگیرد نیز نخواهد توانست به مطالب درسی رنگ و بویی عملی دهد و دانشجویان او نیز راه وی را خواهند پیمود و این چرخه همچنان ادامه خواهد یافت. در این میان وای به حال دانشجویانی که موفق به ادامه‌ی تحصیل نمی‌شوند و مجالی برای حضور در عرصه‌ی تدریس دروس دانشگاهی نمی‌یابند!

ظاهراً وجود همین معضلات شده که وزاتخانه‌های مهم کشور از جمله نفت، دفاع و نیرو که متولی بسیاری از صنایع و مجموعه‌های تولیدی کشور هستند و دارای بالاترین ظرفیت برای ایجاد فرصت‌های شغلی و پذیرش نیروهای تحصیل کرده‌ی می‌باشند به کلی از خروجی دانشگاه‌های کشور ناامید شوند و خود راساً اقدام به تأسیس دانشگاه و تربیت نیروی انسانی مورد نیاز خود نمایند. چند سالی است که این موضوع شدت بیشتری یافته و حتی سازمان‌های کوچک و بزرگ دولتی و خصوصی و حتی شرکت‌های تولیدی-صنعتی متوسط کشور اجازه یافته‌اند که در قالب مراکز آموزش عالی علمی-کاربردی اقدام به تربیت نیروی انسانی مورد نیاز خود نمایند. و جالب این که این مراکز و دانشگاه‌ها نیز گاهی تمام تلاش خود را بکار می‌گیرند تا از اهداف اصلی و از پیش تعریف شده‌ی خود در جهت تربیت نیروهایی با مهارت‌های کاملاً کاربردی و عملی فاصله گرفته و مجدداً همان راهی را در پیش گیرند که دانشگاه‌های اصلی کشور در حال طی کردن آن هستند!

البته برای رفع موانع موجود بر سر راه ارتباط صنعت و دانشگاه هر از چند گاهی اقداماتی صورت می‌گیرد که از آن جمله می‌توان به تأسیس دفاتر ارتباط با صنعت در دانشگاه‌ها و الزامی نمودن کارآموزی برای دانشجویان مقاطع مختلف تحصیلی اشاره نمود. چنین اقداماتی اگرچه می‌توانند در صورت اجرای درست بسیار مؤثر و مفید واقع شوند ولی متأسفانه به علت اعتقاد نه چندان جدی مجریان امر و دانشجویان به این امور، تبدیل به مسایلی ظاهری، تشریفاتی و شعاری شده‌اند و کارایی خود را از دست داده‌اند.

شاید یکی از ریشه‌های اصلی تداوم این مشکلات، تأمین هزینه‌های دانشگاه‌ها از محل بودجه‌های جاری دولتی و درآمدهای نفتی باشد. به عبارت دیگر تا زمانی که دانشگاهیان دغدغه‌ای برای تأمین هزینه‌های خود نداشته باشند بدیهی است که اجرای پروژه‌های پردردسر عملی برایشان جذابیتی ندارد و ترجیح می‌دهند به فعالیت‌هایی بپردازند که نتیجه‌ای جز گزارشات کاغذی در پی نخواهند داشت.

علت دیگر غریبگی دانشگاه و صنعت را می‌توان در نحوه‌ی